

مقایسه جایگاه زن در فرهنگ ایران و ایتالیا از طریق بررسی مقابله‌ای ضرب‌المثل‌های فارسی و ایتالیایی

بتول قاضی‌خانی*

کارشناس ارشد آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع)،
مشهد، ایران

امید اکبری**

استادیار زبان انگلیسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع)،
مشهد، ایران

افسانه غنی‌زاده***

استادیار زبان انگلیسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع)،
مشهد ایران

(تاریخ دریافت: ۹۴/۰۱/۳۱، تاریخ تصویب: ۹۵/۰۳/۰۱)

چکیده

ضرب‌المثل‌ها پاره‌های ادبی هستند که بخش عمده‌ای از زبان و فرهنگ یک ملت را تشکیل می‌دهند و بیانگر نگاه مردم جامعه به مسائل مختلف بوده و لذا نقش بسزایی در تعیین هویت فرهنگی هر ملت دارند. هدف پژوهش حاضر مقایسه جایگاه زن در فرهنگ ایرانی و یک کشور اروپایی، به کمک آشنایی دیرینه محقق با زبان و فرهنگ ایتالیایی از طریق تحلیل مقابله‌ای ضرب‌المثل‌های دو زبان است. این تحقیق در چندین مرحله انجام گرفت: گردآوری ۱۳۸۴ نمونه فارسی و ایتالیایی مرتبط با موضوع زن، ترجمه نمونه‌های ایتالیایی، حذف مثل‌های تکراری یا نامفهوم (جامعه آماری برابر با ۹۸۴ ضرب‌المثل)، ترجمه و ارائه برخی توضیحات فرهنگی، دسته‌بندی موضوعات مثل‌ها، یافتن وجوه اشتراک و افتراق بین نمونه‌های دو زبان، آمارگیری، و مقایسه عددی. نتایج نشان می‌دهند که فرهنگ دو کشور در برخی موارد مشابه و در برخی دیگر بسیار متفاوت‌اند. اما فرهنگ ایرانی، در زمینه هردو قطب عمده متضاد چه تحقیر و توهین به زن و چه تکریم وی نسبت به فرهنگ ایتالیایی جایگاه نخست را به خود اختصاص می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: جایگاه زن، ضرب‌المثل، فرهنگ ایران، فرهنگ ایتالیا، بررسی مقابله‌ای.

* نویسنده مسئول: تلفن: ۰۵۱-۳۸۴۴۸۶۲۰، دورنگار: ۰۵۱-۳۸۴۴۸۶۲۵، Email: ghazikhani2008@yahoo.com

** Email: omidakbari@imamreza.ac.ir

***Email: a.ghanizadeh@imamreza.ac.ir

۱- مقدمه

از بدو پیدایش انسان بر روی کره خاکی، همواره سیمای زن در هاله‌ای از ابهام و رمز و راز قرار داشته و جایگاه وی در طول تاریخ و در تمام جوامع بشری، بارها دستخوش فراز و نشیب‌هایی شده است. به گفته حسین‌زاده (۱۳۸۳) زمانی نظام «زن‌سالاری» یا «مادرسالاری» حاکم بوده و زمانی حَسَب اقتضا این نظام جای خود را به تفکر «مردسالاری» داده و با کم‌رنگ ساختن ماهیت وجودی زن، وی را به کنج انزوا و بی‌هویتی سوق داده است. هدف از این پژوهش، مقایسه نگاه به زن در فرهنگ کشورهای ایران و ایتالیا به واسطه بررسی مقابله‌ای ضرب‌المثل‌های مربوطه در دو زبان فارسی و ایتالیایی، از طریق ترجمه است. برای نیل به این مهم، ابتدا باید به پاسخی برای پرسشهای زیر دست یافت:

- شمار تقریبی ضرب‌المثل‌های هریک از دو زبان فارسی و ایتالیایی در رابطه با موضوع زن چقدر است؟

- چه مباحثی در رابطه با زنان در ضرب‌المثل‌های هر یک از دو زبان مطرح شده است؟
- در کدام یک از دو زبان توجه بیشتری به ویژگیهای زنان شده، به عبارتی تعداد مباحث مطرح شده در رابطه با زنان در ضرب‌المثل‌های زبان فارسی بیشتر است یا ایتالیایی؟
- چه تفاوتها و شباهتهایی بین موضوعات این ضرب‌المثل‌ها وجود دارد؟

۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

با توجه به سرعت چشمگیر رشد فناوری در عصر حاضر و ظهور زمینه‌های شکل‌گیری پدیده‌ای به نام دهکده جهانی و به تبع آن افزایش نیاز عمومی به آشنایی و برقراری ارتباط با سایر ملل به‌طور اعم؛ و روند رو به رشد مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین ایران و ایتالیا، تدریس زبان ایتالیایی در برخی دانشگاه‌های ایران و نیز مراجعه علاقه‌مندان به دو مدرسه مخصوص آموزش زبان ایتالیایی در تهران و شیراز با هدف ویژه ادامه تحصیل در این کشور به‌طور اخص؛ و همین‌طور عدم وجود پیشینه‌ای برای پژوهش‌هایی از این دست که مرتبط با زبان و فرهنگ کشور ایتالیا باشد، اهمیت و لزوم انجام این‌گونه تحقیقات احساس می‌شود. امید است نتایج تحقیق حاضر بتواند مورد استفاده طیف وسیعی از علاقه‌مندان به زبان ایتالیایی اعم از مدرسان، دانشجویان، زبان‌آموزان، و مترجمان این زبان، دست‌اندرکاران آموزش فارسی به غیرفارسی‌زبانان و همچنین محققان، زبان‌شناسان و جامعه‌شناسان زبان قرار گیرد.

۳- پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر بر سه محور اصلی استوار است: نخست گردآوری ضرب‌المثل‌های بسیاری که در دو زبان نامبرده به موضوع زن پرداخته‌اند، ترجمه نمونه‌های ایتالیایی و ترجمه و ارائه متونی در ارتباط با جایگاه زن در جهان و در تاریخ و فرهنگ کشور ایتالیا؛ دوم مقایسه و مطابقت نمونه‌های جمع‌آوری شده در دو زبان؛ و سوم مقایسه جایگاه زن در فرهنگ‌های دو کشور ایران و ایتالیا با تکیه بر شواهد به دست آمده. قابل ذکر است که یکی از محققان با تکیه بر دانسته‌ها و تجربیات شخصی خویش که ثمره سالها زندگی در ایتالیا و یادگیری زبان ایتالیایی به صورت آکادمیک در آن کشور می‌باشد، به ترجمه موارد عنوان شده مبادرت ورزیده و کلیه ترجمه‌ها به تأیید دو متخصص زبانهای ایتالیایی و فارسی به نامهای دکتر حسین میرزاییان خمسه و دکتر جعفر میرزاییان خمسه که سالهای متمادی در ایتالیا زندگی کرده و تحصیلات عالی خود را در این کشور به پایان رسانده‌اند در سمت ارزیاب رسیده است. با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان گفت که موضوع مقاله حاضر جمعاً از سه بُعد فرهنگ، ترجمه، و جایگاه زن قابل بررسی است. تحقیق حاضر در شکل کامل خود بدون شک فاقد هرگونه پیشینه‌ای است، اما اگر قرار باشد پیشینه کارهای انجام شده در سه زمینه مذکور به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرند، باید اذعان داشت که تاکنون هیچ‌گونه پژوهشی در زمینه ضرب‌المثل‌های ایتالیایی و به‌ویژه جایگاه زنان در فرهنگ این کشور در ایران صورت نگرفته، ولی در رابطه با بررسی جایگاه زن چه در ادبیات ایران و چه در ادبیات ایتالیا همچنین بررسی مقابله‌ای ضرب‌المثل‌های فارسی با سایر زبانها تحقیقاتی به‌عمل آمده که شرح آنها به‌اختصار در ادامه خواهد آمد.

۳-۱- پیشینه نظری پژوهش

۳-۱-۱- بحث فرهنگ

تیلور^۱ نظریه پرداز ترجمه، فرهنگ را مجموعه پیچیده‌ای از باورها، عقل، هنر، اخلاق، قانون، عرف و هر رفتار و عادت انسان به‌عنوان عضوی از جامعه تعریف می‌کند (اوکه^۲، ۱۹۸۴). ذوالفقاری در مورد اهمیت فرهنگ یک سرزمین چنین می‌نویسد: «فرهنگ و زیرمجموعه‌های آن از جمله عناصر مهم هویت ملی به‌شمار می‌روند که دربرگیرنده تمامی

1. E. Taylor

2. Oke

ارزش‌های فردی و اجتماعی‌اند. یکی از جلوه‌ها و عناصر سازنده فرهنگ، فرهنگ عامه است» (ذوالفقاری، ۱۳۸۸، ص ۹). او همچنین ادب شفاهی یا عامه را از شاخه‌های مهم دانش عوام یا فولکلور می‌داند که خود شامل مجموعه‌ای عظیم از ترانه‌ها، لالایی‌ها، چیستان‌ها، قصه‌ها، اساطیر، مثل‌ها و ضرب‌المثل‌ها می‌شود و برگرفته از فرهنگ قومی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردد تا باورها، اعتقادات، آداب و رسوم، اخلاق و اندیشه‌ها، تخیلات و در یک کلام زندگی آنان را منعکس نماید. نکته قابل توجه این است که به گفته اسدی (۱۳۷۹)، به نقل از: ذوالفقاری، (۱۳۸۸)، بین ضرب‌المثل‌های نقاط مختلف جهان از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب، نقاط مشترک بسیاری به چشم می‌خورد و از آنجا که تمام مردم دنیا با مشکلات گوناگون زندگی همچون عشق، فقر، گرسنگی و ... به نوعی درگیرند چه بسا یک ضرب‌المثل در سرزمینهای مختلف اما با گویش‌های متفاوت رواج داشته باشد.

۳-۱-۲- تعریف مثل و ضرب‌المثل

«مثل جمله‌ای است نسبتاً کوتاه، اغلب آهنگین حاوی آموزه‌ای اخلاقی یا اجتماعی که از ویژگی‌های مهم آن ایجاز است، یعنی معنای بیشتری در لفظی اندک گنجانیده شده است. در عین حال معنا روشن است و ذهن شنونده اهل زبان بی‌کوشش زیادی آن را درمی‌یابد» (انوری، ۱۳۸۴، ص ۱۱). حکمت، بین مثل و ضرب‌المثل تفاوت قائل می‌شود و چنین می‌نویسد: «ضرب‌المثل از دو واژه ضرب (زدن، بیان کردن) و مثل تشکیل شده است. کلمه ضرب در مورد مثل به معنی ایقاع و بیان آن است و این کلمه را برای زدن مثل از آنجا گرفته‌اند که تأثیر نفسانی و انفعال و هیجانی که از آن در خاطر حاصل می‌شود، مثل آن است که سخن را در گوش شنونده بکوبند، چنان‌که اثر آن در قلب وی نفوذ کند و به اعماق روح او باز گردد» (حکمت، ۱۳۶۱، ص ۴۸). اما همچنان‌که ذوالفقاری (۱۳۸۸) می‌گوید، هرچند مثل اعم از ضرب‌المثل است، ولی عموماً مثل و ضرب‌المثل را مترادف یکدیگر به کار می‌برند، ضرب‌المثل کاربرد، بیان و استفاده از مثل است. از این‌رو در مقاله حاضر نیز این دو اصطلاح به صورت معادل یکدیگر به کار رفته‌اند. آریان‌پور کاشانی در دیباچه کتاب موسوی می‌نویسد: «می‌دانیم که امثال و حکم و ضرب‌المثل‌های هر زبان، خاص فرهنگ آن زبان می‌باشد. به همین دلیل ضرب‌المثل ترجمه‌پذیر نیست و اگر ما بخواهیم بدانیم که گویشوران یک زبان در برابر یک ضرب‌المثل ما چه اصطلاحی را به کار می‌برند باید بگردیم و معادل آن را در آن زبان پیدا کنیم و آنگاه می‌بینیم که معنای کلی یک ضرب‌المثل با معنای جزء به جزء آن تفاوت دارد»

(آریان‌پور کاشانی، ۱۳۸۷، به نقل از: موسوی، ۱۳۸۷). شایان ذکر است که در زبان فارسی درصد قابل توجهی از امثال را اشعار شعرای نامدار و بلندآوازه ایرانی تشکیل می‌دهند.

۳-۱-۳- تعریف ترجمه

یوجین نیدا^۱ زبان‌شناس و مردم‌شناس آمریکایی در صفحه ۱۲ کتاب خود با عنوان «به سوی ترجمه» می‌نویسد: «ترجمه عبارت است از بیان مجدد پیامی از زبان مبدأ در قالب نزدیک‌ترین معادل طبیعی آن به زبان مقصد، با رعایت معنی در وهله نخست و رعایت سبک نوشتاری در وهله دوم» (هژبرنژاد، ۱۳۷۲، ص ۲۷).

۳-۱-۳-۱- ترجمه ضرب‌المثل‌ها

به گفته نیلی‌پور ضرب‌المثل‌ها بخشی از گفته‌ها یا عبارتهایی هستند که در آنها شیوه بیان موضوع از گفته‌های عادی متفاوت است. به همین سبب ترجمه آنها نسبت به ترجمه گفته‌های عادی یکسان نیست و گاه به آسانی انجام نمی‌شود (نیلی‌پور، ۱۳۸۲). نباید فراموش کرد که «هنگام ترجمه، نباید نه در عناصر زبان‌شناسی به دنبال معادل اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها گشت و نه در جملات، بلکه باید در کارکرد آن اصطلاح، معادل آنرا جست» (لطافتی و صرافان، ۲۰۰۹، به نقل از: اطهاری و بلوکات، ۱۳۹۲، ص ۱۴۵-۱۴۶).

۳-۲- پیشینه عملی پژوهش

۳-۲-۱- کارهای پیشین در زمینه بررسی جایگاه زن در زبان ایتالیایی

از جستجوهای به عمل آمده چنین به نظر می‌رسد که زن و ماهیت وجودی وی تاکنون موضوع تحقیقات گوناگونی در زبان و ادبیات ایتالیایی بوده و همواره از نقشی اساسی برخوردار بوده است؛ چه در متون مقدس، چه زمانی که در جایگاه خالق آثار ادبی بی‌نظیری درخشیده و چه هنگامی که سیر تحول موقعیت اجتماعی، شغلی، رفتار و پوشش وی از قرون گذشته تاکنون، در حرکتی تدریجی و آزادیخواهانه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در اشعار طنز جونواله^۲ مربوط به سال‌های ۵۰ تا ۱۴۰ بعد از میلاد و نوشته‌های پترونو^۳ سالهای

1. E. Nida

2. D.G. Giovenale

3. G. Petronio

۲۷ تا ۶۶ پس از میلاد همواره برای زن چهره‌ای فریبنده، مکار و بدطینت ترسیم شده بود. حال آنکه در قرون وسطی زندگی و تصویر زن شدیداً تحت تأثیر حضور کلیسا قرار داشت. اما در سده‌های بعد هرچند نقش اجتماعی وی همچنان از اهمیت کمتری نسبت به مرد برخوردار بود، با این حال اهمیت جایگاه زن در حیطه ادبیات رو به افزایش گذاشت تا جایی که موجودی آسمانی، پاک، زیبا و فرشته‌خو تصویر می‌شد و حتی دنیایی که در آن می‌زیست با حقیقت فاصله زیادی داشت (La Donna in Movimento Nel '900, 2007).

۳-۱-۲- کارهای پیشین در زمینه بررسی جایگاه زن در زبان فارسی

تحقیقات انجام شده در این زمینه به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: بررسی جایگاه زن در ادبیات فارسی و در ضرب‌المثل‌های فارسی.

۳-۱-۲-۱- بررسی جایگاه زن در ادبیات فارسی

این‌طور که از تحقیقات انجام شده از سوی محققان برمی‌آید، و با استمداد از منابعی چون پایان‌نامه کارشناسی ارشد برزگر (۱۳۸۹)، تاکنون پژوهش‌های متعددی در زمینه جایگاه زن در ادبیات کشورمان صورت گرفته‌اند که برخی از آنان نقش زن در ادبیات فارسی را جانبی و فرعی دانسته و حتی آن‌را زن‌ستیز خطاب کرده‌اند و بالعکس، برخی دیگر برای وی نقشی زنده و پررنگ یا دست کم خنثی قائل شده‌اند. خاقانی (۱۳۷۶) در کتاب خود نقش منفی منسوب به زن در ادبیات را نفی می‌کند و معتقد است که اساساً بخشی از شعر را نقش زن رقم می‌زند. به اعتقاد او منزلت زن در شعر فارسی بسی والا می‌باشد و بی‌انصافی است اگر بگوییم شعر فارسی با زن ستیزه دارد و یا زن در شعر کلاسیک مقام شایسته‌ای نداشته است. همچنین از نگاه یزدانی (۱۳۷۸) زن در ادبیات پیشین یا به‌صورت یک قهرمان ظهور می‌کرده و حماسه می‌آفریده و یا به‌عنوان معشوقی موجب غزل‌سرایی می‌شده و ادبیات غنایی را به‌وجود می‌آورده است. یعنی در ادبیات گذشته زن یا نقش فعال داشته که نمونه‌های آن بیشتر در آثار حماسی یافت می‌شود و یا نقش منفعل که بیشتر در غزلیات عاشقانه به منصفه ظهور رسیده است. بصاری (۱۳۵۰) در کتاب خود به بررسی جایگاه زنان در شاهنامه فردوسی پرداخته و نتیجه گرفته است که غالب زنان در شاهنامه از ارزش و احترام زیادی برخوردار بوده‌اند. حال آنکه حسین‌زاده (۱۳۸۳) اظهار می‌دارد که در گستره وسیعی از آثار نظم و نثر ادب فارسی،

به‌ویژه در بخش کلاسیک یا کهن آن، پی‌رنگ اصلی داستان، تعالی روح و رشد عرفانی و شخصیتی مرد است و زن در این میان، تنها نقشی حاشیه‌ای و فرعی و منفعل بازی می‌کند. حسینی (۱۳۸۷) در کتاب خود به بررسی جایگاه زن در متون سنتی نظم و نثر پرداخته و ریشه‌های شکل‌گیری فرهنگ زن‌ستیزی در این متون را مطرح ساخته است. به اعتقاد او ما به علت وجود یک نگاه مردانه در تاریخ، همواره با اندیشه و فرهنگ «مردسالاری» مواجه بوده‌ایم که البته در مناطق مختلف دنیا میزان آن متفاوت است. مثلاً در اندیشه هندی‌ها و باورهای ارسطوییان و افلاطونیان زن‌ستیزی نمود بیشتری داشته است و در اندیشه‌های اصیل ایرانی کمتر. بنابراین بعضی از آثار ایرانی که در آنها زن‌ستیزی به وفور دیده می‌شود، ریشه‌های هندی و یونانی دارند.

۳-۲-۱-۲- بررسی جایگاه زن در ضرب‌المثل‌های فارسی

تحقیقاتی نیز در این رابطه انجام شده‌اند که در این مجال تنها به ذکر عنوان و نام نویسنده آنها بسنده می‌کنیم. کتابهای زن در آیین ضرب‌المثل‌ها اثر برهانی شهرستانی (۱۳۸۵)، و چند کلمه از مادر شوهر نوشته بنفشه حجازی (۱۳۸۵)، و پایان‌نامه «سیمای زن در امثال فارسی و عربی» به قلم گندمانی (۱۳۸۸) از این دسته‌اند.

۳-۱-۳- کارهای پیشین در زمینه بررسی مقابله‌ای ضرب‌المثل‌های فارسی با سایر زبان‌ها

از جمله تحقیقاتی که در این خصوص صورت گرفته پایان‌نامه برادران انارکی (۱۳۸۳) است که به بررسی مقابله‌ای ضرب‌المثل‌های فرانسه و فارسی از دیدگاه معناشناسی (به زبان فرانسه) همت گماشته است. فلاحی (۱۳۸۸) در پایان‌نامه خود، به مقایسه تحلیلی امثال در زبان انگلیسی و فارسی از دیدگاه جامعه‌شناختی پرداخته و وجوه مشترک و تفاوت‌های دو فرهنگ را بررسی کرده است. در تحقیقی دیگر، غروی (۱۳۹۱) به مقایسه بستر فرهنگی ضرب‌المثل‌های فارسی و آلمانی دست زده و تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها را روشن ساخته است. در پژوهش دیگری که برزن (۱۳۸۴) انجام داده، بین ضرب‌المثل‌های انگلیسی و فارسی یک تحلیل مقابله‌ای صورت گرفته است. قاضی‌زاده و نجفی (۱۳۸۸) نیز در مقاله خود به تحلیل مقابله‌ای ضرب‌المثل‌های انگلیسی و فارسی از نظر میزان تطابق‌های معنایی و واژگانی پرداخته‌اند.

۴- روش تحقیق

این تحقیق که از رویکردی توصیفی - کاربردی برخوردار است، در چندین مرحله انجام پذیرفت: ابتدا کلیه ضرب‌المثل‌های فارسی مرتبط با موضوع «زن» از کتاب شکورزاده (۱۳۸۹) استخراج و بررسی شدند. پس از آن به منظور دستیابی به نتایج دقیق‌تر، از دو منبع معتبر دیگر نیز نمونه‌های جدید بسیاری استخراج گردیدند. سپس مثل‌های بسیار شبیه به هم یا نامفهوم حذف و باقی نمونه‌ها براساس موضوعات محوری مطرح شده در آنها دسته‌بندی و دسته‌ها برچسب‌گذاری شدند. در مرحله بعد ضرب‌المثل‌های ایتالیایی مرتبط با زن از کتاب الکترونیکی «فرهنگ ضرب‌المثل‌های ایتالیایی» با عنوان اصلی *Il Dizionario dei Proverbi Italiani* استخراج، گردآوری و ترجمه شدند. این مثل‌ها نیز به نوبه خود برحسب موضوعات، دسته‌بندی و برچسب‌گذاری شدند (جامعه آماری برابر با ۹۸۴ ضرب‌المثل فارسی و ایتالیایی). سپس تعداد ضرب‌المثل‌های متعلق به هر دسته در دو زبان شمارش و به درصد محاسبه گردید، و بین گروه‌های مشابه در دو زبان، مقایسه عددی انجام گرفت که جداول و نمودار مربوطه و نتیجه نهایی در بخش‌های بعدی ارائه خواهند گردید.

۴-۱- انتخاب ضرب‌المثل‌های فارسی

با توجه به اهمیت موضوع فرهنگ ایرانی در مقاله حاضر، نگارندگان کوشیده‌اند تا حد امکان از میان انبوه ضرب‌المثل‌های متعدد و متنوع زبان فارسی که بعضاً مربوط به مناطق فارسی‌زبان خارج از این مرز و بوم بوده‌اند، آنهایی را برگزینند که منحصراً در ایران رایج می‌باشند. به این ترتیب جهت حفظ تناسب بین این تعداد با شمار مثل‌های ایتالیایی، جمعاً ۵۳۹ نمونه دارای یکی از واژه‌ها یا عبارات «زن»، «زنان»، «عیال»، «دختر»، «خانم»، «بی بی»، «زن پدر»، «زن بابا»، «زن بیوه»، «زن پیر»، «زن‌داری» و «زن گرفتن» انتخاب شدند که اساس تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهند.

۴-۲- دسته‌بندی ضرب‌المثل‌های فارسی

طی بررسی‌های انجام شده جمعاً ۱۵ دیدگاه مجزا نسبت به زن شناسایی شد و برپایه آنها دسته‌بندی زیر انجام گرفت که برای هر دسته سه نمونه ترجیحاً کوتاه مرتبط با موضوعات آن دسته و به ترتیب ذکر موضوعات، انتخاب شده و درج گردید. البته موارد جزئی‌تری نیز مشاهده گشت که به خاطر بسامد بسیار پایین، از تخصیص دسته‌ای جداگانه به آنها چشم‌پوشی

شد. هریک از گروه‌های یاد شده، با واژه داخل کمانک مقابل خود که صرفاً نقش نشانه را دارد برچسب گذاری گردید:

۱- ضرب‌المثل‌هایی که به جنس زن (اعم از همسر و فرزند دختر) بها می‌دهند و زن، به‌ویژه زن خوب، زیبا، شایسته، نجیب و سازگار را محور خانه و خانواده و پشتوانهٔ مرد و زندگی او می‌دانند. (تکریم)

- خانه بی‌زن به گورستان ماند.

- مردی که زن ندارد، آرام تن ندارد.

- زن برکت خانه است.

۲- مَثَل‌هایی که در تحقیر یا مذمت زنان، بخصوص زنان ناسازگار، نانجیب، شلخته یا زشتروی به‌کار رفته و یا ایشان را عامل بدبختی و اسارت مرد و نه تنها آفت زندگی او که مایهٔ فتنه و آشوب کل هستی می‌دانند و یا مردان را به نگزیدن همسر ترغیب می‌کنند. (تحقیر و توهین)

- زن بد بدتر بود از مار بد.

- هر جا که زن است فتنه آنجاست.

- مرد باش و ترک زن کن کاندرا این ایام ما / زن نخواهد هیچ مرد با تمیز و هوشیار

۳- مَثَل‌هایی که رازداری زن را زیر سؤال برده و محرم قرار دادن وی را خطای بزرگی قلمداد می‌کنند یا او را غیر قابل اعتماد می‌دانند. (عدم رازداری)

- به پیش زنان راز هرگز مگوی.

- مگو اسرار حال خویش با زن / که یابی راز فاش در کوی و برزن

- به دزد اعتماد کن به زن مکن.

۴- مَثَل‌هایی که حس پیشگویی و درک سریع را برای زن قائل‌اند اما خرد و توان فکری وی را مورد تردید قرار می‌دهند و گوش سپردن به او را محکوم می‌کنند. (ضعف عقل)

- زن آنقدر که زودفهم است خوش فهم نیست.

- اگر آب سربالایی رفت، زن هم عاقل می‌شود.

- چو کردی مشورت با زن خلاف زن کن ای نادان!

۵- مَثَل‌هایی که زن را موجودی بی‌ارزش، ناتوان یا وابسته و نیازمند به مرد توصیف می‌کنند. (وابستگی)

- زنان را نیست چیزی بهتر از شوی.
- زن تا وقتی شوهر نکرده جزو اثاث پدرست بعد جزو اثاث شوهر.
- زن فقط باید دستور شوهرش را اجرا کند.
- ۶- مثل‌هایی که مردان را به داشتن غیرت و تعصب در مورد همسران و دخترانشان یا حفظ برتری خود نسبت به زن ترغیب می‌نمایند. (غیرت و تعصب مردان)
- اسب را از کره‌گی و زن را پس از عروس شدنش باید تربیت کرد.
- دختر مایه ننگ (روسپاهی) است.
- برکنده به آن ریش که در چنگ زنان است!
- ۷- مثل‌هایی که زنان را موجوداتی زبان‌باز، موذی و مکار می‌دانند یا او را با شیطان مقایسه می‌کنند. (مکر و حيله)
- از زن زبان‌دار و سگ‌هار بترس.
- حيله کار زن است و روباه.
- زن استاد شیطان است.
- ۸- مثل‌هایی که زنان را به بی‌مهری و بی‌وفایی، عهدشکنی و خیانت، یا بی‌تفاوتی محکوم می‌کنند و او را تنها خواهان عنوان، یا مال و دارایی شوهر می‌دانند. (جفاکاری)
- ابله شده‌ای وفا ز زن می‌طلبی؟
- زن گرنه یکی هزار باشد / در عهد کم استوار باشد
- زمانه که تنگ شود، میان زن و شوهر جنگ شود.
- ۹- مثل‌هایی که در ارتباط با زن‌پدر، زنان بیوه یا سال‌خورده، و اغلب در مذمت آنان بیان شده‌اند. (مذمت گروه‌های خاص)
- زن بابا اگر نونم می‌داد، سر تنورم می‌داد.
- زن بیوه نگیر اگرچه حور است / راه راست برو اگرچه دور است
- از فتنه پیرزن بپرهیز / چون پنبه نرم ز آتش تیز
- ۱۰- مثل‌هایی که یکی از واژه‌های زن، زنان، عیال، دختر و ... را دارا هستند اما فاقد هرگونه داوری و قضاوت نسبت به جنس زن (به‌طور خاص) می‌باشند. (ختی)
- زن و شوهر جنگ کنند و ابلهان باور کنند.
- بعد از تمام شدن قصه می‌پرسد لیلی مرد بود یا زن؟

- پسر و دختر هندوانه سربست هستند.
- ۱۱- مثل‌هایی که به زن، نه تنها به چشم کسی که فقط وظیفه رتق و فتق امور منزل را برعهده دارد، بلکه به چشم یک کشتزار و وسیله‌ای برای بقای نسل نگاه می‌کنند. (خانه‌نشینی)
- هنر زن خانه‌داری است.
- کار زن بچه زاییدن است.
- زنان را همین بس بود یک هنر / نشینند و زایند شیران نر
- ۱۲- مثل‌هایی که ازدواج موقت، دو یا چندهمسری و همچنین نظر داشتن به زن دیگران را محکوم می‌کنند. (منع تعدد زوجه)
- خانه‌کرایه و زن صیغه هیچ‌کدام اعتبار ندارند.
- مرد دو زنه همیشه رویش سیاه است.
- هرکه باشد نظرش در پی ناموس کسان / پی ناموس وی افتد نظر بوالهوسان
- ۱۳- مثل‌هایی که به تنبیه بدنی زن اشاره دارند یا صراحتاً کتک زدن وی را توصیه می‌کنند. (اعمال خشونت)
- زن یعنی بز!
- مزن زن را ولی گر برستیزد / چنانش زن که هرگز برنخیزد
- چوب شوهر گل است / هر زنی نخورد خل است
- ۱۴- مثل‌هایی که در آنها زن با یکی از جانوران، گیاهان یا اشیاء مقایسه شده است. (مقایسه با غیر انسان)
- اسب از مربی و زن از مردش فرمان می‌برد.
- دختر مثل کدوست، یک شب مهتاب رشد می‌کند.
- دختر ناودان طلاست.
- ۱۵- مثل‌هایی که ویژگی‌هایی از جمله عقل، زیبایی، پوشش، عصمت و وقار را که یک زن خوب باید داشته باشد، بر می‌شمرند. (صفات لازم)
- زینت زن عفت است، زینت مرد غیرت.
- چادر، قلعه (سنگر) زن است.
- دختر است و عصمت.

۴-۳- انتخاب ضرب‌المثل‌های ایتالیایی

در تحقیق حاضر تلاش شد کلیه ضرب‌المثل‌های ایتالیایی موجود در منبع انتخابی نامبرده که با یکی از کلید واژه‌های «زن^۱»، «جنس مؤنث^۲»، «زوجه^۳»، «عروس^۴»، «دختر^۵» و «بیوه زن^۶» معرفی شده بودند (جمعاً ۴۴۵ نمونه)، مورد بررسی قرار گیرند. با این حال در ضرب‌المثل‌هایی که با موضوع «خانواده^۷» عنوان شده بودند نیز نمونه‌هایی با محوریت «فرزند دختر^۸» مشاهده گردید که آنها هم مورد بررسی قرار گرفتند و در آمارهای ارائه شده منظور شدند.

۴-۴- دسته‌بندی ضرب‌المثل‌های ایتالیایی

با توجه به نکات بسیار متعدد و ریزبینانه‌ای که در رابطه با زن در این ضرب‌المثل‌ها برجسته‌سازی شده بودند، دست کم ۲۲ دسته مختلف شناسایی شدند که مضمون ۱۵ تای آنها تماماً یا تقریباً با مضامین گروه‌های تفکیک شده فارسی مطابقت داشته و بنابراین با همان عناوین برچسب‌گذاری شدند و ۷ دسته مازاد، که به ویژگی‌هایی از زنان یا مواردی اشاره دارند که به هیچ عنوان در مثل‌های فارسی بررسی شده مطرح نگردیده‌اند جداگانه برچسب‌گذاری شدند. قابل ذکر است که اولاً شمار حیرت‌آور و تنوع نکاتی که درباره زن در این مثل‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند سبب شد که بالاجبار صفات و ویژگی‌های متعدد ولی کم‌وبیش مشابه در یک گروه قرار داده شوند. ثانیاً به منظور خودداری از اطناب، مجموعه‌ای از موارد جزئی‌تر که با بسامد کم‌تری در مثل‌های ایتالیایی عنوان شده بودند، در یک دسته مجزا تحت عنوان «متفرقه» گنجانده شدند. به این ترتیب شمار دسته‌های موجود به ۲۳ رسید که به‌همراه برچسب‌های مربوطه (داخل کمانک مقابلشان)، با رعایت همان ترتیب دسته‌های ۱۵ گانه فارسی و به‌همراه سه نمونه مختلف دربرگیرنده موضوعات متنوع هر گروه (با حفظ ترتیب ذکر) در ذیل می‌آیند:

۱- مثل‌هایی که به زن به‌ویژه در مقام همسر، مادر یا فرزند ارجح می‌گذارند، به شکنندگی روحی و جسمی وی اذعان داشته و یا تأکید می‌کنند که علی‌رغم تمام بدگویی‌ها، زن همواره در رأس آمال و خواسته‌های همگان قرار دارد. (تکریم)

1. donna

2. femmina

3. moglie

۴. sposa: از میان دو واژه هم‌آوا و هم‌نویسه عروس یکی در معنای زن در مراسم ازدواج خود و دیگری در معنای همسر پسر خانواده، معنای دوم مد نظر این پژوهش نیست.

5. ragazza

6. vedova

7. famiglia

8. figlia

| proverbio | ترجمه |
|---|---|
| Se le donne fossero d'oro, non varrebbero quello che valgono. | اگر زنان از جنس طلا بودند، آنقدر که می‌ارزند نمی‌ارزیدند. |
| Chi vuol far bella famiglia, incominci dalla figlia. | هر که می‌خواهد خانواده خوبی داشته باشد، با فرزند دختر شروع کند. |
| Tutti dicono male delle donne e tutti le vogliono. | همه از زنان بدگویی می‌کنند و همه خواهانشان هستند. |

۲- مثل‌هایی که زنان به‌ویژه زنان بد و ناسازگار، سبک‌سر و نانجیب، خصمناک، اندوهگین و حتی بیمار را مورد شماتت قرار داده و یا آنان را مایه دردرس، و بعضاً نماد عینی خشونت، و مایه نکبت و تخریب خانه و خانواده دانسته‌اند. (تحقیر و توهین)

| proverbio | ترجمه |
|--|----------------------------------|
| La donna e' la maledizione della casa. | زن مایه مصیبت و نکبت خانه است. |
| La donna triste e' la rovina della casa. | زن غمگین باعث ویرانی کاشانه است. |
| La donna e' la rovina dell'uomo. | زن مایه انحطاط مرد است. |

۳- مثل‌هایی که رازداری زنان را مورد تردید قرار می‌دهند. (عدم رازداری)

| proverbio | ترجمه |
|--|--|
| Dire un segreto a una donna e' come versare acqua in un vaglio. | راز گفتن به زن مثل آب ریختن در غربال است. |
| Le donne son sante in chiesa, angele in casa e gazze alla porta. | زنان در کلیسا قدیسه‌اند، در خانه فرشته، و دم در زاغ! |
| Le donne non dicono i segreti che non sanno. | زنان فقط رازهایی را که نمی‌دانند فاش نمی‌کنند. |

۴- مثل‌هایی که برتری حس پیشگویی در زنان را نسبت به عقل ایشان مطرح نموده یا کلاً

۱. در ایتالیایی زاغ نماد کنجکاوی بوده و به گفته لاپوچی در کمین هرچیزی است که توجهش را جلب کند. در اینجا زن به زاغ تشبیه شده که علاقه‌مند به دانستن و بازگو کردن تمام وقایعی است که در اطرافش رخ می‌دهد (لاپوچی، ۲۰۰۷، ص ۴۶۰). درست مانند فارسی که صفت خبرچینی را به کلاغ نسبت می‌دهند.

عقل زن را بی اعتبار می دانند. (ضعف عقل)

| proverbio | ترجمه |
|---|-----------------------------------|
| Della donna prendi il primo pensiero. | از زن، همان نظر اولش را بچسب! |
| Le donne hanno il cervello di gallina. | عقل زن به اندازه مرغ است. |
| Le donne han lunghi capelli e corto cervello. | موی زنان بلند است و فکرشان کوتاه. |

۵- مثل هایی که به شکلی زن را وابسته به مرد یا حضور مرد را در زندگی وی الزامی می دانند. (وابستگی)

| proverbio | ترجمه |
|---|---|
| La donna che non ha preso marito, non sa dove sta di casa. | زنی که شوهر نکرده نمی داند خانه اش کجاست. |
| Donna scompagnata sempre mal guardata. | به زن تنها همه به چشم بد نگاه می کنند. |
| La ragazza da marito spazza l'aia e maritata nemmeno la casa. | دختر دم بخت کف مزرعه را جارو می زند، عروس که شد خانه اش را هم جارو نمی زند. |

۶- مثل هایی که نشان از بی غیرتی مردان دارند یا آنها را به داشتن غیرت و تعصب در مورد همسرانشان تشویق می کنند. (غیرت و تعصب مردان)

| proverbio | ترجمه |
|---|--|
| Chi ha la moglie bella non e' tutta sua. | زن زیبا مال خود آدم نیست. |
| La moglie e' piu' facile prenderla che mantenerla. | گرفتن زن از نگه داشتنش آسان تر است. |
| Chi ha la moglie bella metta all'uscio la sentinella. | هرکس زن زیبا دارد، در خروجی نگهبان بگذارد. |

۷- مثل هایی که زن را به ذکاوت فراوان، حيله گری، مکر، و توسل به دروغ و ریختن اشک آسان و دروغین محکوم کرده، یا او را بسیار تودار می دانند و حتی گاه با شیطان مقایسه می کنند. (مکر و حيله)

| proverbio | ترجمه |
|---|--|
| Astuzia di donna le vince tutte. | ذکاوت زن بر همه چیز فائق است. |
| Le donne ne sanno una piu' del diavolo. | زنان شیطان را درس می‌دهند. |
| Una donna ha due lacrime sincere e cento d'inganno. | دو قطره اشک زن راست است و صد قطره‌اش فریب. |

۸- مثل‌هایی که از خیانت، بی‌عاطفگی و بی‌تفاوتی زن نسبت به زحمات شوهر یا تقسیم کردن محبتش با تمام اطرافیان و نه تنها با همسر، شکایت دارند. (جفاکاری)

| proverbio | ترجمه |
|--|---|
| La donna ha i capelli lunghi e l'amore corto; l'uomo ha i capelli corti e l'amore lungo. | موی زنان بلند است و عمر مهرشان کوتاه؛ موی مردان کوتاه است و عمر عشقشان بلند. |
| L'uomo spinge il danaro per la porta e la donna lo getta dalla finestra. | مرد پول را به‌زور از در می‌آورد و زن از پنجره بیرون می‌ریزد. |
| Il cuore delle donne e' fatto a limoncello: uno spicco a questo e a quello e l'amore se ne va. | دل زنان مانند لیموست، یک برش به این یک برش به آن، و دیگر مه‌ری باقی نمی‌ماند. |

۹- مثل‌هایی که در رابطه با زنان سالخورده، پیردختران، بیوه‌زنان، و زنان زشت یا پُرمو گفته شده‌اند و غالباً در مذمت آنها آمده‌اند. (مذمت گروه‌های خاص)

| proverbio | ترجمه |
|--|--|
| Da una donna vecchia si guarda anche il diavolo. | ابلیس هم از زن پیر پرهیز می‌کند. |
| Zitella lingua corta; sposa lingua lunga. | پیردختر زبانش کوتاه است و عروس زبانش دراز. |
| Duol di vedova poco dura. | اندوه زن بیوه دوامی ندارد. |

۱۰- مثل‌هایی که در آنها یکی از واژه‌های «زن»، «زوجه» و «دختر» به‌کار رفته ولی فاقد هرگونه قضاوت و داوری نسبت به جنس زن هستند. (خشتی)

| proverbio | ترجمه |
|---|---|
| Tra moglie e marito non mettere il dito. | بین زن و شوهر مداخله نکن. |
| Ragazza che dura non perde ventura. | دختری که صبر کند شانسش را از دست نمی‌دهد. |
| La ragazza com'e' allevata e la tela com'e' filata. | دختر همان است که بار آمده، پارچه همان است که بافته شده. |

۱۱- مثل‌هایی که در آنها از زنان خوب، فهیم، نجیب، سازگار و خصوصاً خانه‌نشین تمجید شده یا با عناوینی چون فرشته، پری، و ملکه خانه از آنان یاد شده است. (خانه نشینی)

| proverbio | ترجمه |
|---|---------------------------------------|
| La donna saggia edifica la casa. | زن فرزانه خانه را بنا می‌کند. |
| La donna e' la regina della casa. | زن، ملکه سرای خویشان است. |
| Le donne sane e le gambe malate si trovano sempre a casa. | زن سالم و پای معیوب در خانه می‌مانند. |

۱۲- مثل‌هایی که بیشتر به‌منظور پیشگیری از دردهای متعدد، داشتن یک زن را کافی می‌دانند، یا برحذر بودن از زن و خشم او را توصیه می‌کنند. (منع تعدد زوجه)

| proverbio | ترجمه |
|---|---|
| Una donna per casa e una noce per sacco. | در هر خانه‌ای یک زن و در هر کیسه‌ای یک گردو! |
| Chi ha avuto una moglie merita una corona di pazienza, ma chi ne ha avute due merita una di pazzia. | مرد یک زنه شایسته تاج صبوری است و مرد دو زنه لایق تاج جنون. |
| Donna e fuoco scherzaci poco. | با زن و آتش زیاد شوخی نکن. |

۱. در فرهنگ ضرب‌المثل‌های ایتالیایی چنین آمده که همان‌طور که یک گردو در کیسه به تنهایی سروصدا نمی‌کند، یک زن تنها هم آرام است، اما بیش از یکی در خانه موجب ایجاد شلوغی و سروصدا می‌شود (لاپوچی، ۲۰۰۷، ص ۴۵۹).

۱۳- مثل‌هایی که مردان را به محدود کردن زن، کنترل وی، و یا رام نمودن او (حتی با توسل به خشونت) ترغیب می‌نمایند یا از تنبیه بدنی او سخن می‌رانند. (اعمال خشونت)

| proverbio | ترجمه |
|--|---|
| Donne e bisticche, piu' si battono e piu' diventano tenere. | زن و بیفتک را هرچه بیشتر بکوبی نرم‌تر می‌شوند. |
| Come ogni cavallo vuole sprone, cosi' ogni femmina vuol bastone. | هر اسبی را مهمیز لازم است و هر زنی را چماق. |
| Quando torni a casa bastona la moglie: tu non sai perche', ma lo sa lei. | وقتی به خانه برمی‌گردی زنت را با چوب بزنی، تو نمی‌دانی چرا، اما خودش می‌داند. |

۱۴- مثل‌هایی که در آنها زن هم‌ردیف یکی از جانوران، گیاهان یا اشیاء قرار گرفته است. (مقایسه با غیر انسان)

| proverbio | ترجمه |
|--|---|
| Donne e buoi, dei paesi tuoi. | گاو و زن را از دیار خودت انتخاب کن. |
| La bella donna e' un bel cipresso. | زن زیبا مانند سرو زیباست. |
| Donna, oro e fortuna vanno sempre agli sciocchi. | زن و بخت و ثروت همیشه نصیب ابلهان می‌شود. |

۱۵- مثل‌هایی که حاکی از ویژگی‌هایی همچون زیبایی، جوانی، صداقت، مستوری و غیره هستند که یک زن باید داشته باشد و نیز صفاتی نظیر چاقی، قد بسیار بلند، رفتار مردانه، و دانش زیاد که زن ترجیحاً نباید دارا باشد. (صفات لازم)

| proverbio | ترجمه |
|---|--|
| Donna e rosa meno si mostrano e piu' piacciono. | زن و گل سرخ هرچه پوشیده‌تر، دلنشین‌تر. |
| Le donne e le sardine son buone piccoline. | زن و ماهی ساردین، ریزشان بهتر است. |
| Donna dotta, casa disordinata. | زن فرهیخته و خانه به هم ریخته. |

۱۶- مثل‌هایی که تفوق و برتری زن را در خانه برجسته می‌سازند یا او را مسئول امور منزل می‌دانند و به استوار بودن کانون خانواده بر وجود وی معترف‌اند. (تفوق و برتری)

| proverbio | ترجمه |
|---|---|
| La donna regge tre canti della casa e l'uomo uno. | زن سه کنج خانه را نگه می‌دارد و مرد یکی را. |
| La donna e' la casa. | زن یعنی خانه. |
| La donna e' il timone della casa. | زن سکان منزل است. |

۱۷- مثل‌هایی که پشتکار و اراده‌ای قوی برای زن قائل‌اند و او را قادر به دستیابی به تمام خواسته‌هایش می‌دانند. (پشتکار)

| proverbio | ترجمه |
|---|--|
| Quel che donna vuole, Dio lo vuole. | خواست زن، خواست خداست. |
| Il tempo e le donne hanno sempre fatto come gli pare. | زن و اوضاع جوی، همیشه هرکار خواسته‌اند کرده‌اند. |
| Quando la femmina vuol filare fila senza fuso. | زن اگر بخوهد بریسد، بدون دوک هم می‌ریسد. |

۱۸- مثل‌هایی که روی زیاده‌گویی، وراجی یا حاضر جوابی زنان تأکید دارند. (پرحرفی)

| proverbio | ترجمه |
|---|--|
| A nessuna donna manco' mai parola. | هیچ زنی از زبان کم نیاورده. |
| Quando a una donna mancherà' una risposta l'acqua andrà' per in su. | اگر زنی جواب کم آورد، آب هم سربالا می‌رود. |
| Bocca di donna non può' star chiusa mezz'ora. | دهان زن نمی‌تواند نیم ساعت بسته بماند. |

۱۹- مثل‌هایی که تغییرات مداوم زن را چه به لحاظ روحی و جسمی و چه از نظر تمایلات و خواسته‌ها امری بدیهی قلمداد می‌کنند و او را غیر قابل پیش بینی و متلون المزاج می‌دانند. (تغییرپذیری)

| proverbio | ترجمه |
|--|--------------------------------------|
| La donna cambia come la luna. | زن هم مثل ماه در حال تغییر است. |
| Donna, vento e ventura presto si mutano. | زن و شانس و جهت باد زود عوض می‌شوند. |
| Femmina e' cosa mobil per natura. | جنس مؤنث ذاتاً ناپایدار است. |

۲۰- مثل‌هایی که تمایل زنان به آراستگی، زیبا و مورد توجه بودن را نشان می‌دهند و همچنین به اهمیت جوانی یا زیبایی چهره و ظاهر زن از دید سایرین اذعان دارند. در این دسته از ضرب‌المثل‌ها زنان متوسط‌القامه مطلوب‌تر بنظر می‌رسند. (زیبایی)

| proverbio | ترجمه |
|---|---|
| Ragazza che si specchia poco fila. | دختری که به آینه زیاد توجه کند کم نخ می‌ریسد. |
| La donna preferisce sentirsi dire bella, piuttosto che buona. | زنان ترجیح می‌دهند خوشگل خطاب شوند تا خوشدل. |
| Una bella donna ha sempre ragione. | همیشه حق با زنان زیباست. |

۲۱- منتهایی که حاکی از بدبینی و عدم اعتماد نسبت به زن هستند. (بی‌اعتمادی به زن)

| proverbio | ترجمه |
|--|--|
| Quando la donna abassa gli occhi pensa una bugia. | وقتی زن سرش را پایین می‌اندازد، دارد دروغ می‌سازد. |
| Sole di marzo, onda di mare, pianto di donna non ti fidare. | به آفتاب زمستان و موج دریا و گریه زن اعتماد مکن. |
| Le donne dicono spesso il vero, ma non lo dicono tutto intero. | زنان اغلب حقیقت را می‌گویند، اما نه تمام و کمال. |

۲۲- مثل‌هایی که معترف‌اند درک احساسات زن کار مشکلی است، و او اغلب بدترین، پرخطرترین و پیچیده‌ترین راهکارها را انتخاب می‌کند یا دارای افکار منفی است. (افکار منفی)

| proverbio | ترجمه |
|--|--|
| La donna e la lupa scelgono sempre il piu' brutto maschio. | زن و ماده گرگ همیشه زشت‌ترین نر را انتخاب می‌کنند. |
| Le donne s'attaccano sempre al peggio. | زنان جنبه بد هر چیز را می‌بینند. |
| Quando una donna pensa, pensa il peggio. | وقتی زن فکر کند، به بدترین جوانبش می‌اندیشد. |

۲۳- مجموعه مثل‌هایی که موارد جزئی‌تری را با بسامد کمتر، در زمینه‌های مختلفی همچون حساسیت زنان نسبت به سن خود، جان سختی و استقامت و مقاومت بدنی زیاد آنها، زودباوری، دیر حاضر شدنشان برای خروج از منزل، توصیه به ازدواج با زنان هم‌تراز، حفظ اختلاف سنی (بزرگ‌تر بودن مرد)، و مواردی از این قبیل مطرح می‌سازند. (متفرقه)

| proverbio | ترجمه |
|---|--|
| Le donne hanno sette spiriti in corpo. | زن هفت تا جان دارد. |
| Donne, mosche e gatti si preparano con comodo. | زن و گربه و مگس در خودآرایی شتاب نمی‌کنند. |
| Abbi donna di te minore se vuoi essere signore. | اگر می‌خواهی آقا باشی زن از خودت کوچک‌تر بگیر. |

۵- بررسی داده‌ها

در اینجا ذکر چند نکته الزامی است: نخست، از آنجا که بسیاری از ضرب‌المثل‌های گردآوری شده در هر دو زبان به بیش از یک گروه از طبقه‌بندی‌های نامبرده تعلق داشتند، در شمار هریک از گروه‌های یاد شده به حساب آمده و لذا جمع کل درصدها از صد درصد تجاوز می‌کند. به عنوان مثال: اسب و زن و شمشیر وفادار که دید؟ این نمونه، هم به دسته مثل‌هایی که زنان را به بی‌وفایی، عهدشکنی یا بی‌تفاوتی محکوم می‌کنند تعلق دارد و هم به دسته‌ای که در آنها زن با یکی از جانوران، گیاهان یا اشیاء مقایسه شده است. نکته قابل توجه دیگر اینکه در هر دو زبان نمونه‌هایی از گرت‌برداری مشاهده شد که به علت پذیرش و رواج آنها در فرهنگ و زبان مقصد، این امر مانع از منظور نمودن آنها در نمونه‌ها نشد. دیگر اینکه از بررسی مثل‌های فاقد توضیح در هر دو زبان که معنا و مفهوم آنها دقیقاً مشخص نبود صرف‌نظر گشت.

در ادامه دسته‌بندی‌های صورت گرفته در هر دو زبان به همراه جداول و نمودار مربوطه ارائه خواهند شد.

۴-۱- ارائه آمار دسته‌های شناسایی شده در فارسی از مجموع ۵۳۹ و در ایتالیایی از مجموع ۴۴۵ ضرب‌المثل

جدول ۱. داده‌های فارسی از بیشترین فراوانی به کمترین

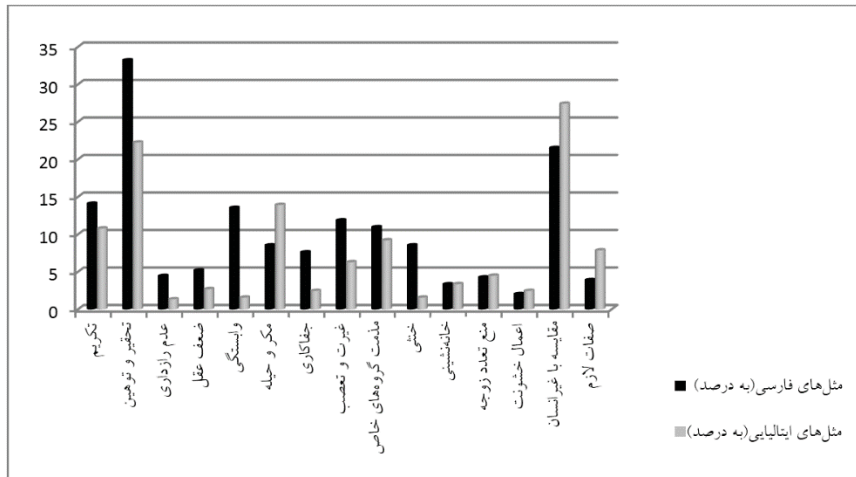
| ردیف | برچسب‌ها | فراوانی | درصد |
|------|---------------------|---------|---------|
| ۱ | تحقیر و توهین | ۱۷۹ | ٪ ۳۳/۲۱ |
| ۲ | مقایسه با غیر انسان | ۱۱۶ | ٪ ۲۱/۵۲ |
| ۳ | تکریم | ۷۶ | ٪ ۱۴/۱۰ |
| ۴ | وابستگی | ۷۳ | ٪ ۱۳/۵۴ |
| ۵ | غیرت و تعصب مردان | ۶۴ | ٪ ۱۱/۸۷ |
| ۶ | مذمت گروه‌های خاص | ۵۹ | ٪ ۱۰/۹۵ |
| ۷ | مکر و حيله | ۴۶ | ٪ ۸/۵۳ |
| ۸ | ختی | ۴۶ | ٪ ۸/۵۳ |
| ۹ | جفاکاری | ۴۱ | ٪ ۷/۶۱ |
| ۱۰ | ضعف عقل | ۲۸ | ٪ ۵/۱۹ |
| ۱۱ | عدم رازداری | ۲۴ | ٪ ۴/۴۵ |
| ۱۲ | منع تعدد زوجه | ۲۳ | ٪ ۴/۲۷ |
| ۱۳ | صفات لازم | ۲۱ | ٪ ۳/۹۰ |
| ۱۴ | خانه‌نشینی | ۱۸ | ٪ ۳/۳۴ |
| ۱۵ | اعمال خشونت | ۱۱ | ٪ ۲/۰۴ |

جدول ۲. داده‌های ایتالیایی از بیشترین فراوانی به کمترین

| ردیف | برچسب‌ها | فراوانی | درصد |
|------|---------------------|---------|---------|
| ۱ | بی‌اعتمادی به زن | ۱۳۴ | ٪ ۳۰/۱۲ |
| ۲ | مقایسه با غیر انسان | ۱۲۲ | ٪ ۲۷/۴۲ |
| ۳ | تحقیر و توهین | ۹۹ | ٪ ۲۲/۲۵ |
| ۴ | مکر و حيله | ۶۲ | ٪ ۱۳/۹۳ |
| ۵ | زیبایی | ۵۶ | ٪ ۱۲/۵۸ |
| ۶ | متفرقه | ۵۳ | ٪ ۱۱/۹۱ |
| ۷ | تکریم | ۴۸ | ٪ ۱۰/۷۹ |
| ۸ | مذمت گروه‌های خاص | ۴۱ | ٪ ۹/۲۱ |
| ۹ | صفات لازم | ۳۵ | ٪ ۷/۸۷ |
| ۱۰ | غیرت و تعصب مردان | ۲۸ | ٪ ۶/۲۹ |
| ۱۱ | پرحرفی | ۲۰ | ٪ ۴/۴۹ |
| ۱۲ | منع تعدد زوجه | ۲۰ | ٪ ۴/۴۹ |
| ۱۳ | تفوق و برتری | ۱۵ | ٪ ۳/۳۷ |
| ۱۴ | خانه‌نشینی | ۱۵ | ٪ ۳/۳۷ |
| ۱۵ | پشتکار | ۱۳ | ٪ ۲/۹۲ |
| ۱۶ | ضعف عقل | ۱۲ | ٪ ۲/۷۰ |
| ۱۷ | افکار منفی | ۱۲ | ٪ ۲/۷۰ |
| ۱۸ | جفاکاری | ۱۱ | ٪ ۲/۴۷ |
| ۱۹ | اعمال خشونت | ۱۱ | ٪ ۲/۴۷ |
| ۲۰ | تغییرپذیری | ۸ | ٪ ۱/۸۰ |
| ۲۱ | خنثی | ۷ | ٪ ۱/۵۷ |
| ۲۲ | وابستگی | ۷ | ٪ ۱/۵۷ |
| ۲۳ | عدم رازداری | ۶ | ٪ ۱/۳۵ |

جدول ۳. گروه‌های فارسی و ایتالیایی در وضعیت مقایسه به ترتیب از بیشترین درصد به کمترین

| ردیف | برچسب‌ها | درصد | برچسب‌ها | درصد |
|------|---------------------|---------|---------------------|---------|
| ۱ | تحقیر و توهین | ٪ ۳۳/۲۱ | بی‌اعتمادی به زن | ٪ ۳۰/۱۲ |
| ۲ | مقایسه با غیر انسان | ٪ ۲۱/۵۲ | مقایسه با غیر انسان | ٪ ۲۷/۴۲ |
| ۳ | تکریم | ٪ ۱۴/۱۰ | تحقیر و توهین | ٪ ۲۲/۲۵ |
| ۴ | وابستگی | ٪ ۱۳/۵۴ | مکر و حيله | ٪ ۱۳/۹۳ |
| ۵ | غیرت و تعصب مردان | ٪ ۱۱/۸۷ | زیبایی | ٪ ۱۲/۵۸ |
| ۶ | مذمت گروه‌های خاص | ٪ ۱۰/۹۵ | متفرقه | ٪ ۱۱/۹۱ |
| ۷ | مکر و حيله | ٪ ۸/۵۳ | تکریم | ٪ ۱۰/۷۹ |
| ۸ | ختنی | ٪ ۸/۵۳ | مذمت گروه‌های خاص | ٪ ۹/۲۱ |
| ۹ | جفاکاری | ٪ ۷/۶۱ | صفات لازم | ٪ ۷/۸۷ |
| ۱۰ | ضعف عقل | ٪ ۵/۱۹ | غیرت و تعصب مردان | ٪ ۶/۲۹ |
| ۱۱ | عدم رازداری | ٪ ۴/۴۵ | پرحرفی | ٪ ۴/۴۹ |
| ۱۲ | منع تعدد زوجه | ٪ ۴/۲۷ | منع تعدد زوجه | ٪ ۴/۴۹ |
| ۱۳ | صفات لازم | ٪ ۳/۹۰ | خانه‌نشینی | ٪ ۳/۳۷ |
| ۱۴ | خانه‌نشینی | ٪ ۳/۳۴ | تفوق و برتری | ٪ ۳/۳۷ |
| ۱۵ | اعمال خشونت | ٪ ۲/۰۴ | پشتکار | ٪ ۲/۹۲ |
| ۱۶ | --- | --- | ضعف عقل | ٪ ۲/۷۰ |
| ۱۷ | --- | --- | افکار منفی | ٪ ۲/۷۰ |
| ۱۸ | --- | --- | جفاکاری | ٪ ۲/۴۷ |
| ۱۹ | --- | --- | اعمال خشونت | ٪ ۲/۴۷ |
| ۲۰ | --- | --- | تغییرپذیری | ٪ ۱/۸۰ |
| ۲۱ | --- | --- | ختنی | ٪ ۱/۵۷ |
| ۲۲ | --- | --- | وابستگی | ٪ ۱/۵۷ |
| ۲۳ | --- | --- | عدم رازداری | ٪ ۱/۳۵ |



نمودار ۱. مقایسه گروه‌های مشترک ضرب‌المثل‌های فارسی و ایتالیایی

۶. نتیجه

همانطور که مشاهده می‌شود در ضرب‌المثل‌های فارسی نگاه تحقیرکننده و توهین‌آمیز به زن جایگاه نخست را دارد. البته وضعیت این دیدگاه در نمونه‌های ایتالیایی نیز چندان متفاوت نیست. با این حال در مثل‌های ایتالیایی جایگاه نخست، به بی‌اعتمادی به جنس زن تعلق دارد (که به دلیل نداشتن مورد مشابه در فارسی، در نمودار مشاهده نمی‌شود). شاید به همین دلیل است که درصد مثل‌هایی که زنان را موجوداتی مکار و حيله‌گر می‌دانند نیز در ایتالیایی به مراتب بیشتر از نمونه‌های فارسی است. نکته شایان توجهی که از تفاوت فاحش بین فرهنگ دو کشور خبر می‌دهد، همین بی‌اعتمادی بیش از حد به جنس مؤنث و بخصوص زوجه در مثل‌های ایتالیایی، به دلیل زیاد بودن احتمال خیانت اوست که با بسامد بالایی مطرح شده و به اعتقاد نگارندگان، خود بیانگر ویژگی فرهنگی دیگری است که همانا پایین بودن سطح تعصب مردان می‌باشد. همچنان که پایین‌تر بودن درصد مثل‌هایی که به غیرت و تعصب مردان اشاره دارند در نمونه‌های ایتالیایی با اختلاف زیاد، مؤید این نکته است. دیگر اینکه درصد مثل‌هایی که زن را ناقص‌العقل می‌دانند در فارسی نزدیک به دو برابر بالاتر است. با این وجود، درصد مثل‌هایی هم که به زن نجیب و سازگار بها می‌دهند، در امثال فارسی با اختلاف نسبتاً زیاد از ایتالیایی بیشتر است. مورد دیگر اینکه توصیه به رفتار خشنونت‌آمیز، در فارسی آخرین جایگاه را داراست، حال آنکه بسامد آن در ایتالیایی اندکی بالاتر است که به عقیده نگارندگان می‌تواند

حاکمی از همان نگاه بدبینانه و وحشت مردان از عنصر خیانت در زنان باشد. نکته مهم دیگر بی‌هویتی زن به تنهایی و وابسته دانستن او به مرد (پدر یا شوهر) در فرهنگ ایرانی است که بازتاب آن نیز با اختلاف زیاد در نمودار قابل رؤیت است. شاید درست به همین دلیل باشد که در فرهنگ ایرانی، درصد مثل‌هایی که زن را به چشم‌داشت به مقام یا دارایی شوهر متهم می‌کنند (جفاکاری) بسیار بیشتر از ایتالیایی است. مورد آخر اینکه درصد مثل‌هایی که جای زن را فقط در خانه و وظیفه او را تربیت فرزندان می‌دانند در دو زبان بسیار نزدیک به هم است، با این حال شایان ذکر است که در فارسی، با وجود اهمیت زیادی که به زیبایی ظاهری زنان داده شده، اولویت اول زاینده‌گی و سپس زیبایی است. حال آنکه در هیچ‌یک از مثل‌های بررسی شده ایتالیایی، تأکیدی بر جنبه زایایی زن و وظیفه مادر شدن وی مشاهده نگردید.

۷- منابع

- اطهاری نیک‌عزم، مرضیه و بلوکات، مینا، (۱۳۹۳). "ترجمه عناصر فرهنگی از زبان فارسی به زبان فرانسه: تحلیل و بررسی ترجمه نشانه‌های فرهنگی در داستان مهمان مامان اثر هوشنگ مرادی کرمانی". فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه، سال ۴۶، شماره ۱، ص. ۱۳۳-۱۴۹.
- انوری، حسن، (۱۳۸۴). فرهنگ امثال سخن (نسخه اول). تهران: سخن.
- آبروش، باقر، (۱۳۸۷). فرهنگ بزرگ پیشرو ایتالیایی - فارسی (دو جلدی). تهران: نشر الکترونیکی و اطلاع‌رسانی جهان رایانه.
- حسین‌زاده، آذین، (۱۳۸۳). زن آرمانی، زن فتنه (بررسی تطبیقی جایگاه زن در ادبیات فارسی). تهران: قطره.
- حسینی، مریم، (۱۳۸۷). ریشه‌های زن‌ستیزی در ادبیات کلاسیک فارسی. تهران: چشمه.
- خاقانی، علی، (۱۳۷۶). زن از نگاه شاعر. تهران: ندای فرهنگ.
- ذوالفقاری، حسن، (۱۳۸۸). فرهنگ بزرگ ضرب‌المثل‌های فارسی. تهران: معین.
- شکورزاده بلوری، ابراهیم، (۱۳۸۹). دوازده هزار مثل فارسی و سی هزار معادل آنها. مشهد: به نشر.
- قاضی زاده، خلیل و نجفی، آزاده، (۱۳۸۸). "تحلیل مقابله‌ای ضرب‌المثل‌های انگلیسی و فارسی از نظر معنایی و واژگانی". فصلنامه مطالعات ترجمه سال ۷، شماره ۲۸، ص. ۳۰-۵.
- موسوی، منوچهر، (۱۳۸۷). فرهنگ منظوم و منثور ضرب‌المثل‌های فارسی و معادل انگلیسی آنها (نسخه دوم). تهران: نشر الکترونیکی و اطلاع‌رسانی جهان رایانه.

نیلی پور، رضا، (۱۳۸۲). کاربرد اصطلاحات و تعبیرات در ترجمه (نسخه چهارم). انتشارات دانشگاه پیام نور.

هژبرنژاد، حسین، (۱۳۷۲). آیین ترجمه (نسخه اول). تهران: دو نور.

یزدانی، زینب، (۱۳۷۸). زن در شعر فارسی. تهران: فردوس.

Baradaran Anaraki, M. (2004, Mai). *L'etude contrastive des proverbes francais et persans du point de vue se'mantique*. Retrieved August 11, 2014, from Irandoc: <http://idochp2.irandoc.ac.ir/FulltextManager/fulltext15/th/63/63002.pdf>

Barzan, G. R. (2005). *A contrastive analysis of Persian and English proverbs*. Retrieved August 11, 2014, from Irandoc: <http://www.irandoc.ac.ir/FulltextManager/fulltext15/th/81/81247.pdf>

Fallahi, Y. (2009). *A contrastive analysis of English and Persian proverbs with a sociolinguistics view*. Retrieved August 11, 2014, from Irandoc: <http://www.irandoc.ac.ir/FulltextManager>

Gharavi, N. A. (2012). *Fakultaet fuer Fremdsprachen-Deutsche Abteilung*. Retrieved August 11, 2014, from Irandoc: <http://ganj.irandoc.ac.ir>

La Donna in Movimento Nel '900. (2007, 1, 12). Retrieved 10, 5, 2015, from trucheck.it.

Lapucci, C. (2007). *Il dizionario dei proverbi italiani*. Milano: Arnoldo Mondadori Editore S.P.A.

Oke, E. O. (1984). *An Introduction to Social Antropology*. Indiana University: Macmillan.

Zingarelli, N. (1984). *Il Nuovo Zingarelli(Vocabolario della lingua italiana)* (11 ed.). Bologna: Nicola.Zanichelli S.p.a.